

جستاری در ولایتمداری جریان‌ها و احزاب سیاسی ایران

نویسنده: یدالله جوانی

چکیده

پس از پیروزی انقلاب اسلامی و با هدایت روحانیت و مرجعیت دینی و رهبری بی‌بدیل حضرت امام خمینی (ره)، ولایت فقیه در نزد مردم به عنوان شاخص اصلی برای سنجش درستی همه امور به ویژه در مسائل فکری-سیاسی مورد پذیرش قرار گرفت. امام (ره) فرمودند: «پشتیبان ولایت فقیه باشید تا به مملکتان آسیب نرسد». مردم این نظریه امام (ره) را تمام وجود پذیرفتند و خط امام و ولایت، به عنوان تنها شاخص مورد قبول ملت نهادینه گردید. برای احزاب، گروه‌ها و تشکل‌های سیاسی به تجربه ثابت گردید که بقا و تداوم حیات سیاسی آنان در گرو همراهی با خط امام و ولایت فقیه است. بر همین اساس شعار خط امام، خط ولایت، پیروان ولایت فقیه، پیروان امام و ... به یک شعار مشترک در میان احزاب و گروه‌های سیاسی با تفکرات و گرایش‌های مختلف تبدیل شد. هرچند برخی از آنان در عمل رفتاری متفاوت از شعار خود داشتند. بنابراین در کشور و جامعه‌ای که از نظر سیاسی شالوده آن برای اداره امور بر رأی مردم بنا شده است و احزاب سیاسی از طریق رأی مردم وارد ساختار قدرت می‌گردند. از طرفی خط امام (ره) و ولایت فقیه برای مردم یک شاخص سنجش و صراط مستقیم هدایت به حساب می‌آید. شناخت ولایتمداری احزاب و گروه‌های سیاسی یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر خواهد بود. که این نوشتار به بررسی این موضوع پرداخته است.

مقدمه

جریان‌های فکری-سیاسی زائیده نیازهای زمان بوده و تحت تأثیر تحولات فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی شکل می‌گیرند. در تاریخ معاصر ایران شکل‌گیری چندین جریان فکری-سیاسی را شاهد هستیم. این جریانها برخی دارای قدمت تاریخی و برخی دیگر نوپا بوده و تحت تأثیر تحولات بین‌المللی به وجود آمدند. جریان اسلامی یا مذهبی از میان جریانهای موجود، تنها جریانی است که موفق گردید نظام سلطنت ۲۵۰۰ ساله را سرنگون و نظام جمهوری اسلامی را براساس نظریه ولایت فقیه مستقر سازد. برخی از این جریانها از همان ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی به مقابله و مخالفت با نظام اسلامی برخاسته و برخی سعی کردند خود را همراه انقلاب و مردم نشان دهند. در همان ابتدای پیروزی انقلاب، جمهوری اسلامی به پیشنهاد حضرت امام (ره) و با رأی قاطع ۹۸/۲ درصدی مردم شکل گرفت. با انقلاب اسلامی دو اتفاق بزرگ در صحنه سیاسی ایران رخ داد. ۱. مردم در اداره کشور دارای نقش واقعی و حقیقی شده و از حاشیه به متن آمدند. براساس قانون اساسی، «در جمهوری اسلامی ایران، امور کشور باید با اتکا به آرای عمومی اداره شود، از راه انتخابات، انتخاب رئیس جمهور،

نمایندگان مجلس شورای اسلامی، اعضای شوراهای و نظائر این‌ها، از راه همه‌پرسی در مواردی که در اصول دیگر این قانون معین می‌گردد» (۱) بر همین اساس حضرت امام (ره) فرمودند: «میزان رأی مردم است.» ۲. اسلام تجدید حیات پیدا کرد و آموزه‌های دین مقدس اسلام و احکام الهی، به عنوان مبنای اصلی برای تمامی جهت‌گیری‌ها و تصمیم‌گیری‌ها و وضع قوانین، مورد پذیرش ملت قرار گرفت. بنابر قانون اساسی، در جمهوری اسلامی، کلیه قوانین و مقررات باید براساس موازین اسلامی باشد. (۲) در اصل یکصد و هفتاد و هفتم، اصول مربوط به اسلام در قانون اساسی نیز از اصول تغییرناپذیر به شمار می‌آید. در بازنگری قانون اساسی هم، این قانون راه تغییر در اصول مربوط به «اسلامیت و جمهوریت نظام» را مسدود کرده است. جمهوری اسلامی ایران براساس نظریه ولایت فقیه شکل گرفته است. نظریه ولایت فقیه برجسته‌ترین نظریه سیاسی شیعه در دوران غیبت است. در نظام جمهوری اسلامی ایران، ولایت و رهبری فقیه جامع الشرایط، نشانه اصلی اسلامیت نظامی است که مردم ایران برای دستیابی به آن انقلاب کرده و هزینه‌های سنگین را تحمل نمودند. مردم ایران طی سه دهه گذشته، نشان دادند که به نظام اسلامی و ولایت فقیه وفا دارند و هرگز از چنین نظامی رویگردان نخواهند شد. جریان‌های فکری- سیاسی و احزاب و جمعیت‌ها برای کسب موقعیت‌های اجتماعی در جامعه دینی ایران، راهی جز احترام به افکار و عقاید مردم و همراهی با آنان در پیروی از اسلام و ولایت فقیه ندارند. در کشوری که برای مردم آن، ولایت فقیه و خط امام به عنوان یک شاخص اصلی به حساب می‌آید، خط امامی و پیرو ولایت فقیه بودن برای به دست آوردن مناصب سیاسی، با جلب آرای مردم طرفدار ولایت موضوعیت پیدا می‌کند. در دهه دوم و سوم انقلاب اسلامی شاهد شکل‌گیری برخی احزاب و گروه‌های سیاسی بودیم، در حالی که اعتقادی به خط امام (ره) و ولایت فقیه نداشتند، لکن برای جلب حمایت مردم شیفته اسلام و دلداده امام (ره)، شعار طرفداری از خط امام (ره) و تبعیت از ولایت فقیه را سر دادند.

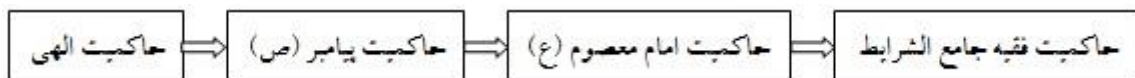
بیشتر بخوانید: نقش احزاب در سیاست پس از انقلاب اسلامی

عوام‌فریبی برخی از این احزاب و گروه‌های سیاسی به حدی بود که برای فریب افکار عمومی، پیروان واقعی حضرت امام (ره) و طرفداران واقعی ولایت فقیه را به عنوان مخالفان خط امام (ره) معرفی کرده، آنان را متهم به امام‌زدایی از جامعه کردند! رهبر معظم انقلاب اسلامی، چندی قبل با طرح موضوع «عوام و خواص در جامعه اسلامی» نسبت به خطر جریان‌های انحرافی هشدار داده و با اشاره به نکات عبرت‌آموز در حادثه عاشورا فرمودند: «اگر ما هم از عبرت‌های عاشورا استفاده نکنیم، امکان تکرار تاریخ وجود دارد». برای مقابله با این نوع آفت‌ها و آسیب‌های فکری- سیاسی و مقابله با عوام‌فریبی احزاب و گروه‌های سیاسی قدرت طلب از یک طرف و حمایت از جریان‌های سالم فکری- سیاسی پیرو اسلام ناب و مطیع ولایت، باید احزاب و گروه‌های سیاسی فعال را از زاویه ولایت‌مداری مورد بررسی قرار داد. برای کسب چنین شناختی از احزاب و گروه‌های سیاسی بدون توجه به ادعاهای آنان، دو اقدام اساسی ضرورت دارد:

۱. تبیین شاخص‌های خط امام (ره)، ولایت فقیه و شاخص‌های ولایتمداری.
 ۲. بررسی تطبیقی دیدگاه‌ها، مواضع و عملکرد احزاب و گروه‌های سیاسی با شاخص‌های ولایتمداری. در این نوشتار ابتدا به تبیین اجمالی ولایت فقیه و شاخص‌ها و ویژگی‌های خط امام (ره) و ولایت فقیه پرداخته و سپس براساس این ویژگی‌ها، ولایتمداری جریان‌ها، احزاب و گروه‌های سیاسی مهم و فعال کشور را در دوران پس از انقلاب اسلامی و به ویژه در دهه‌ی سوم انقلاب مورد بررسی و سنجش قرار می‌دهیم.

ولایت فقیه و جایگاه آن در نظام سیاسی ایران

جمهوری اسلامی ایران براساس نظریه ولایت فقیه شکل گرفته است. نظریه ولایت فقیه برجسته‌ترین نظریه سیاسی شیعه در دوران غیبت است. اصل پنجم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به خوبی نحوه اعمال حاکمیت در کشور را چنین بیان می‌دارد: «در زمان غیبت حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در جمهوری اسلامی ایران ولایت امر و امامت امت برعهده فقیه عادل و با تقوا، آگاه به زمان، شجاع، مدیر و مدبر است که طبق اصل ۱۰۷ عهده‌دار آن است.» بنابراین در جمهوری اسلامی، حاکمیت از آن خداوند است که این حاکمیت در دوره غیبت از طریق ولی فقیه اعمال می‌گردد و ولایت فقیه در طول حاکمیت الهی قرار دارد.



به بیان دیگر ولایت فقیه در نظام سیاسی جمهوری ایران، تجلی اسلامیت این نظام بوده و مشروعیت نظام و قوای حکومتی از آن گرفته شده و مشروعیت خود او از ناحیه امام معصوم (علیه السلام) است. دین‌گرایی و تلاش مردم برای پیاده‌سازی دین در تمامی شئون سبب گردید، نظریه ولایت مطلقه فقیه در دوره غیبت به عنوان تنها نظریه سیاسی شیعه مورد پذیرش قرار گیرد و مخالفت با آن به منزله مخالفت با خدا و رسولش تلقی گردد. براساس این دیدگاه، ولایت فقیه، وکالت فقیه محسوب نمی‌گردد و مردم، ولی فقیه را وکیل خود در عرصه‌ی سیاست و حکومت نمی‌دانند، بلکه ولی فقیه یک حاکم اسلامی بوده که اختیارات خود را از ناحیه خداوند گرفته است و مردم مسلمان و مؤمن اگر بخواهند براساس اسلام عمل کنند، باید از او پیروی نمایند.

رابطه‌ی احزاب و گروه‌های سیاسی با ولایت فقیه

در یک جامعه اسلامی که مردم حکومت اسلامی را مستقر ساخته‌اند و در رأس این حکومت ولی فقیه قرار دارد، رابطه احزاب و گروه‌های سیاسی با ولایت فقیه، از همان قاعده کلی رابطه مردم با ولی فقیه پیروی می‌کند. حضرت امام (ره) در معرفی نوع و عنوان نظام سیاسی کشور بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، عنوان «جمهوری اسلامی» را مورد تأکید قرار داده و جمله تاریخی «جمهوری اسلامی، نه یک کلمه کمتر و نه یک کلمه بیشتر!» را بیان داشتند. بنابراین حضرت امام (ره) نظام سیاسی کشور را بر ۲ رکن «اسلامیت» و «جمهوریت» بنا نهادند. حاکمیت ولی

فقیه به معنی اسلامی بودن نظام و حضور و رأی مردم در صحنه‌های مختلف اداره کشور، به منزله جمهوریت نظام است. قانون اساسی، رکن جمهوریت نظام را اینگونه بیان می‌دارد: «در جمهوری اسلامی ایران، امور کشور باید به اتکاء آراء عمومی اداره شود، از راه انتخابات، انتخابات رئیس جمهور، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، اعضای شوراها و نظایر اینها، یا از راه همه‌پرسی در مواردی که در اصول دیگر این قانون معین می‌گردد(۳)».

احزاب و گروه‌های سیاسی در جامعه‌ای امکان رشد دارند که در آن، دستیابی به قدرت سیاسی از طریق رأی مردم پذیرفته شده باشد. همچنین آزادی فکر و عقیده، آزادی مطبوعات، آزادی اقلیت‌ها، آزادی اجتماعات و آزادی برای تشکیل احزاب، گروه‌ها و تشکل‌های سیاسی در چارچوب قانون، از جمله مهمترین آزادی‌هایی است که به عنوان حقوق شهروندی در نظام جمهوری اسلامی براساس قانون اساسی پذیرفته شده است. بنابراین تشکیل حزب یا گروه سیاسی در جمهوری اسلامی ایران یک حق قانونی تلقی می‌گردد و این فعالیت‌ها در چارچوب قانون آزاد است. از ویژگی‌های یک حزب سیاسی، تلاش برای کسب، حفظ و افزایش قدرت سیاسی بوده، این ویژگی اصلی و غالب احزاب سیاسی است. چرا که اساساً برای یک حزب سیاسی حضور در صحنه قدرت سیاسی اهمیت دارد. گروه‌های سیاسی نیز با دسته‌بندی‌های مختلف از قبیل گروه‌های ذینفع و گروه‌های فشار عمدتاً به دنبال تأثیرگذاری بر قدرت سیاسی هستند. در جمهوری اسلامی با محوریت ولایت فقیه، احزاب و گروه‌های سیاسی را می‌توان از حیث رابطه با ولایت فقیه به سه دسته کلی تقسیم کرد:

۱۱. احزاب و گروه‌های سیاسی ولایت‌مدار و همسو با ولی فقیه
۱۲. احزاب و گروه‌های سیاسی ناهمسو با ولی فقیه
۱۳. احزاب و گروه‌های سیاسی مخالف با ولایت فقیه و جمهوری اسلامی

بیشتر بخوانید: جریان چپ مدرن در ایران

بدیهی است که شکل‌گیری، رشد و بدست آوردن قدرت سیاسی با حضور در ساختار قدرت سیاسی از احزاب ناهمسو با ولایت فقیه، نظام اسلامی را از درون با چالش مواجه خواهد ساخت. موفقیت و پیشرفت در کشور، در گرو همگرا بودن ارکان نظام، قوای سه‌گانه و تمامی دستگاه‌های حکومتی با محوریت ولایت فقیه می‌باشد. این اجماع نظر و همبستگی اجزاء حکومت موقعی پدید می‌آید که تمام کسانی که از طریق انتخابات و با رأی مردم وارد ساختار حکومت می‌شوند، قدرت سیاسی خود را در طول قدرت و حاکمیت ولی فقیه دانسته و خود را تابع اوامر، دستورات و تدابیر او بدانند. براساس اصل ۵۷ قانون اساسی، قوای سه‌گانه کشور زیر نظر ولایت مطلقه فقیه می‌باشند. مجلس شورای اسلامی یکی از قوای سه‌گانه‌ای است که نمایندگان آن با رأی مستقیم مردم انتخاب می‌شوند. همچنین رئیس جمهور به عنوان رئیس قوه مجریه، با رأی مستقیم مردم انتخاب می‌گردد. در جمهوری اسلامی مجلس در رأی امور است و صلاحیت‌های قانونگذاری و نظارتی بر همه امور کشور را دارد. رئیس جمهور

دومین شخصیت رسمی کشور به حساب می‌آید و قوه مجریه، به دلیل در اختیار داشتن عمده امکانات کشور از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است. بنابراین شکل‌گیری دو قوه بسیار مهم با رأی مستقیم مردم، زمینه پیدایش احزاب و گروه‌های سیاسی و فعالیت آنان برای تأثیرگذاری بر افکار عمومی و جلب آرای مردم برای حضور در قدرت را به دنبال دارد. هم اکنون در کشور بیش از دویست حزب و گروه سیاسی عمده و فعال وجود دارد که فلسفه شکل‌گیری آنان حضور در قدرت سیاسی است. در سالهای اخیر NGOهای فراوانی شکل گرفته که عمدتاً با هدف بهره‌گیری از آنها در حوزه سیاسی پدید آمده‌اند. نظر به نقش محوری ولایت فقیه در جمهوری اسلامی، دسته‌بندی این احزاب و گروه‌های سیاسی از نظر ولایتمداری به عنوان یک شاخص اصلی، اهمیت بالایی در هدایت افکار عمومی به ویژه در مقاطع انتخابات دارد.

شاخص‌ها و ویژگی‌های خط امام (ره)

با بررسی اجمالی سیره نظری و عملی حضرت امام (ره)، مهم‌ترین شاخص‌های خط امام (ره) در موارد زیر خلاصه می‌شود:

۱. جامعیت مکتب اسلام

اسلام از نظر حضرت امام (ره) مکتبی جامع و کامل است که دارای نظام سیاسی، اجتماعی و اقتصادی بوده و می‌تواند تمام نیازهای بشر در همه زمان‌ها را پاسخگو باشد.

۲. پیوند دین و سیاست

در آرا و اندیشه‌های حضرت امام (ره)، دین و سیاست جدایی‌ناپذیر است. ایشان بر این اعتقادند که بسیاری از احکام الهی بُعد سیاسی و اجتماعی دارد و نسبت احکام اجتماعی در اسلام نسبت به احکام فردی بسیار بیشتر است.

۳. ولایت مطلقه فقیه

از شاخص‌های اصلی و برجسته خط امام (ره)، نظریه ولایت مطلقه فقیه است. ایشان ولایت مطلقه فقیه را تداوم ولایت ائمه (علیه السلام) و ولایت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) می‌دانند.

۴. ضرورت قیام برای تشکیل حکومت اسلامی

در آرا و اندیشه‌های سیاسی حضرت امام (ره) مبارزه با طاغوت و دستگاه ظالم حاکم و ساقط کردن آن و تشکیل حکومت اسلامی، یک ضرورت است و مسلمانان وظیفه دارند در صورت امکان برای تشکیل حکومت اسلامی قیام کنند .

۱۵. اعتقاد به فقه جواهری

از دیگر ویژگی‌ها و شاخص‌های خط امام (ره) اتکاء ایشان به فقه جواهری است . در سال‌های اولیه پس از پیروزی انقلاب، هنگامی که در جامعه، فقه سنتی و فقه پویا مطرح شد، ایشان ضمن تأکید بر پویایی فقه اسلامی و ضرورت توجه به شرایط زمانی و مکانی در استنباط احکام الهی، بر اجتهاد بر مبنای فقه سنتی و فقه اهل بیت تأکید کرده و از این فقه، با عنوان «فقه جواهری» یاد کردند . فقه جواهری، یعنی مبنا قرار دادن کتاب، سنت، عقل و اجماع جهت استنباط احکام الهی در مسایل گوناگون به شیوه‌ای که مرحوم صاحب جواهر (ره) عمل می‌کرد .

۱۶. دفاع از محرومان و مستضعفان

از نظر حضرت امام (ره) دفاع از حقوق محرومین، مستضعفان و پابرهنگان در حکومت اسلامی، یک اصل است. ایشان با اعتقاد به واقعیت جنگ فقر و غنا، همواره مردم محروم و اقشار ضعیف جامعه را بر سایر اقشار ترجیح می‌دادند و معتقد بودند ما باید خدمتگذار مستضعفان و پابرهنگان باشیم و می‌فرمودند: «من یک موی کوخ‌نشینان را به کاخ نشینان ترجیح می‌دهم .»

۱۷. دفاع از ملت‌های محروم و مستضعف

از ویژگی‌ها و شاخص‌های مهم خط امام (ره) در بعد سیاست خارجی، توجه ایشان به ملت‌های تحت ستم و مستضعف بود. ایشان بر این اعتقاد بودند که باید تمامی مستضعفان عالم علیه ظالمان و نظام‌های طاغوتی و ستمگر قیام کنند و جمهوری اسلامی و ملت مسلمان، مؤمن و انقلابی ایران نیز باید در کنار ملت‌های به پاخاسته باشد. حضرت امام (ره) عقیده داشتند؛ باید کمک کرد تا هسته‌های مقاومت و رهایی در سراسر جهان شکل گیرد .

۱۸. استکبارستیزی

استکبارستیزی از ویژگی‌های ممتاز و شاخص‌های اصلی خط امام (ره) به حساب می‌آید. حضرت امام (ره) آمریکا را شیطان بزرگ و محور نظام سلطه دانسته و بر این اعتقاد بودند که باید با استکبار و در رأس آن آمریکا مبارزه کرد و این مبارزه را تا پیروزی نهایی ادامه داد .

۱۹. دفاع از جمهوری اسلامی

حضرت امام (ره) معمار و بنیانگذار نظام جمهوری اسلامی در ایران بودند و همواره بر تلاش برای حفظ این نظام تأکید می‌کردند. از نظر ایشان محافظت و دفاع از جمهوری اسلامی یک وظیفه شرعی و دینی به حساب می‌آید و همه مسلمانان چنین تکلیفی را بر دوش دارند. اهمیت حفاظت از جمهوری اسلامی در نزد حضرت امام (ره) آنقدر بالاست که در همین راستا می‌فرمایند: «حفظ جمهوری اسلامی از واجب واجبات است (۴)».

۱۰. اعتقاد به نقش واقعی مردم

از دیگر شاخص‌های خط امام (ره)، باور، اعتقاد و نوع نگرش حضرت امام (ره) به مردم و نقش آنان در جامعه و حکومت بود. ایشان مدافع سرسخت نظام اسلامی با عنوان «جمهوری اسلامی» بوده و «جمهوریت» و «اسلامیت» را به عنوان دو رکن اصلی نظام سیاسی توأمان مورد تأکید قرار می‌دادند. همچنین معتقد بودند که اسلام همه چیز ما است و ما باید خود را فدای اسلام کنیم و بر این باور بودند که با حضور، خواست و پشتیبانی مردم، امکان تشکیل حکومت اسلامی و استمرار آن وجود دارد.

۱۱. اعتقاد به وحدت امت اسلامی

حضرت امام (ره) همواره بر مسأله وحدت در جامعه میان مسئولان، میان اقشار مختلف مردم تأکید داشته، وحدت را از جنود الهی و تفرقه را از جنود شیطان می‌دانستند. ایشان وحدت را در مقیاسی فراتر از مرزهای جمهوری اسلامی ایران، و بلکه در میان امت اسلامی مدنظر داشته و معتقد بودند جمهوری اسلامی برای تحقق وحدت همه‌ی مسلمانان باید تلاش کند.

۱۲. اعتقاد به محو رژیم صهیونیستی

در دیدگاه حضرت امام (ره) اسرائیل در پیکره‌ی جهان اسلام یک غده سرطانی به شمار می‌آید و باید هر چه سریع‌تر با یک عمل جراحی آن را نابود کرد. حضرت امام بر این نکته تأکید داشتند که دشمنان مسلمانان برای ضربه زدن به اسلام و مسلمین، اسرائیل غاصب را به وجود آورده‌اند و باید همه مسلمین با وحدت و یکپارچگی با اسرائیل مبارزه کنند. نگاه ایشان به مبارزه مسلمانان با رژیم صهیونیستی به گونه‌ای است که می‌فرمایند: «رژیم غاصب اسرائیل باید از صفحه روزگار محو گردد».

شاخصه‌های ولایتمداری

برای تشخیص ولایتمداری احزاب و گروه‌های سیاسی، باید شاخصه‌های ولایتمداری را مشخص کرد. براساس مطالب پیشین، می‌توان گفت شاخص‌های ولایتمداری، همان شاخصه‌های خط امام است. با توجه به تأکید مکرر مقام معظم رهبری بر پیروی از خط امام (ره) و وفادار ایشان به آرمانهای حضرت امام (ره)، خط ولایت و خط

رهبری، یک خط بیشتر نیست. کسانی که فکر می‌کنند خط امام (ره) متفاوت از خط رهبری است، سخت در اشتباه هستند.

با توجه به اینکه شاخص‌های مدنظر مقام معظم رهبری، همان شاخص‌های خط امام (ره) می‌باشد. کسی نمی‌تواند بگوید من تابع ولایت هستم و پیرو خط امام (ره) می‌باشم، لکن در نظر یا عمل، برخی از این شاخص‌ها را نادیده گرفته و به گونه‌ای دیگر عمل کند، به عنوان مثال، آیا می‌توان ادعای ولایت‌مداری و پیروی از خط امام را داشت، ولی به جای استکبارستیزی، به دنبال کنار آمدن با استکبار و آشتی با آن بود؟ آیا می‌توان ادعای خط امامی بودن داشت، لکن به ولایت فقیه و تبعیت از رهبری بعد از حضرت امام (ره) پایبند نبود؟ آیا می‌توان ادعای خط امامی بودن داشت و روی نقطه نظرات حضرت امام (ره) در مورد «جمهوریت» نظام تأکید کرد، اما «اسلامیت» نظام را گذاشت؟

پا

زیر

به طور قطع چنین ادعایی نمی‌تواند صادق باشد. کسی که خط امام واقعی باشد، به تمامی لوازم آن خود را پایبند می‌داند. با لحاظ نمودن شاخص‌های مذکور و بررسی اجمالی مواضع، دیدگاهها و عملکرد تشکلهای سیاسی، به راحتی می‌توان صف احزاب و گروه‌های سیاسی ولایت‌مدار را، از احزاب و گروه‌هایی مسیری غیر از خط امام (ره) و رهبری می‌پیمایند جدا کرد.

جریان‌های فکری - سیاسی ایران

در تاریخ معاصر ایران جریان‌های فکری - سیاسی متعددی شکل گرفته است. یک جریان فکری - سیاسی، شامل مجموعه‌ای از احزاب، گروه‌ها و تشکلهای سیاسی می‌باشد. هر جریان فکری - سیاسی در چارچوب یک مکتب، اندیشه و مذهب با اصول و مبانی مشخص و اهداف معین متناسب با نیازهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی یک جامعه در مقطعی خاص شکل می‌گیرد و در گذر زمان، رشد یافته و بالنده می‌شود یا دچار زوال و نابودی می‌گردد. هدف هر جریان فکری - سیاسی، تأثیرگذاری بر قدرت سیاسی، کسب قدرت سیاسی و حفظ آن برای پیشبرد مقاصد و تحقق اهداف مورد نظر چند می‌باشد. در تاریخ معاصر ایران می‌توان جریان‌های فکری - سیاسی را به شش جریان کلی دسته‌بندی کرد. این جریان‌ها عبارتند از:

۱. جریان اسلامی ۲. جریان سلطنت طلب ۳. جریان چپ مارکسیستی ۴. جریان ملی گرا ۵. جریان التقاطی ۶. روشنفکری

برای بررسی و سنجش ولایت‌مداری احزاب و گروه‌های سیاسی ایران در سالهای بعد از پیروزی انقلاب اسلامی به ویژه در دهه سوم انقلاب، ضروری است مبانی فکری و اعتقادی جریان‌های عمده سیاسی در تاریخ معاصر را مورد توجه قرار داد. جدول زیر مبانی فکری و اعتقادی، تاریخچه‌ی احزاب و گروه‌های سیاسی تابع هر یک از این جریان‌ها را نشان می‌دهد (۵).

نام جریان	سابقه تاریخی	مبانی فکری و اعتقادی	نهادهای، احزاب و گروه‌های شاخص
-----------	--------------	----------------------	--------------------------------

جریان اسلامی	الف. ظهور اسلام ب. ورود به ایران اسلام در زمان خلیفه دوم ج. رسمی شدن مذهب تشیع در زمان صفوی	۱. اعتقاد به: جامعیت ۲. پیوند دین و سیاست علمیه ۳. مهدویت و انتظار ۴. مرجعیت و اسلام فقاهتی ۵. ولایت فقیه در دوره غیبت ۶. خدامحوری در همه امور ۷. ظلم‌ستیزی و استکبار ستیزی ۸. نفی سلطه اجانب ۹. تلاش برای اجرای احکام الهی ۱۰. پیوند اسلام و روحانیت	۱. نهاد روحانیت شیعیه و حوزه‌های ۲. جمعیت فدائیان اسلام ۳. انجمن تبلیغات اسلامی ۴. کانون نشر حقایق اسلامی ۵. اتحادیه مسلمین ۶. جمعیت هواداران تشیع ۷. جمعیت فدائیان اسلام ۸. هیأت‌های مؤتلفه اسلامی ۹. انجمن‌های اسلامی ۱۰. حزب ملل اسلامی ۱۱. گروه‌های هفت‌گانه اسلامی مقطع پیروزی انقلاب اسلامی بعد از آن: ۱. جامعه مدرسین حوزه علمیه قم ۲. جامعه روحانیت مبارز تهران ۳. حزب جمهوری اسلامی ایران ۴. سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی ۵. انجمن‌ها و جامعه‌های اسلامی ۶. دفتر تحکیم وحدت ۷. مجمع روحانیون مبارز ۸. حزب کارگزاران سازندگی ۹. حزب مؤتلفه ۱۰. جبهه مشارکت ۱۱. سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی ایران ۱۲. جمعیت زنان انقلاب اسلامی ۱۳. حزب اسلامی کار ۱۴. حزب اعتدال و توسعه ۱۵. جمعیت ایثارگران ۱۶. جامعه اسلامی مهندسين
--------------	--	--	---

۱۷. حزب مردم سالاری			
۱۸. حزب همبستگی			
۱۹. مجمع مدرسین و محققین حوزه علمیه قم			
۲۰- حزب اعتماد ملی			
۲۱.			
۱. به: حزب وطن	اعتقاد باستان ایران	سلطنت ایران	جریان طلب
۲. حزب اراده ملی	۱. شاه محوری	تاریخ ۲۵۰۰ ساله	
۳. حزب مردم	۲. نظام موروثی سلطنتی	زمان	از
۴. حزب ملیون	۳. باستان‌گرایی	تا	هخامنشیان
۵. حزب ایران نوین	۴. جدایی دین از سیاست	پیروزی	مقطع
۶. حزب رستاخیز		انقلاب اسلامی	
۱. به: حزب کمونیست ایران	اعتقاد اروپا	چپ قرن ۱۹ در اروپا	جریان مارکسیستی
۲. حزب توده	۱. مادی‌گرایی براساس	از دوران مشروطه	
۳. سازمان چریک‌های فدایی خلق	۲. تاریخی	ماتریالیسم	در ایران
۴. سازمان پیکار	۲. نفی خدا: انبیاء، دین و		
۵. حزب دمکرات کردستان	مذهب		
۶. حزب کومله	۳. نفی، مالکیت خصوصی		
	۴. زیربنا بودن اقتصاد ...		
	۵. تضاد طبقاتی		
	۶. ماتریالیسم تاریخی		
۱. به: جبهه ملی اول شامل:	اعتقاد اروپا	قرن ۱۶ در اروپا	جریان ملی‌گرایی
۱-۱. حزب ایران	۱. وطن‌پرستی	از دوران مشروطه	
۱-۲. حزب مردم ایران	۲. تعصب ملی	در ایران	
۱-۳. حزب ملت ایران	۳. برتری ملت ایران نسبت		
۱-۴. حزب زحمت‌کشان	به دیگر ملل		
۱-۵. حزب سوسیالیست‌ها	۴. باستان‌گرایی		
۲. جبهه ملی دوم	۵. جدایی دین از سیاست		
۳. جبهه ملی سوم	۶. نظام سلطنتی		

جریان التقاطی	در طول تاریخ	اعتقاد به ترکیب چند	۱. نهضت آزادی
همواره داشته است	وجود مکتب در ایران مانند:	۲. سوسیالیستهای خدایپرست	
	۱. اسلام و سوسیالیسم	۳. سازمان مجاهدین خلق (منافقین)	
	۲. اسلام و ملی‌گرایی	۴. گروه فرقان	
	۳. اسلام و لیبرالیسم	۵. چندین گروه و حزب بعد از انقلاب	
	۴. و....	اسلامی ملی، مذهبی‌ها- مشارکت- کارگزاران و...	

مواضع و عملکرد جریان‌های فکری - سیاسی در انقلاب اسلامی

با پیروزی انقلاب اسلامی و استقرار جمهوری اسلامی در ایران، به جز جریان اسلامی و مذهبی، بقیه جریان‌های فکری - سیاسی به دلیل همان مبانی اعتقادی مورد اشاره در جدول، به مرور مسیر خود را از انقلاب و جمهوری اسلامی جدا کرده و به مخالفت یا مقابله با آن پرداختند. چپ‌گراهای سوسیالیست و کمونیست، ملی‌گراها و لیبرال‌ها، التقاطی‌ها و روشنفکران غیردینی و غرب‌گراها، جبهه‌ی گسترده‌ای را در برابر ملت ایران تشکیل دادند. اما به دلیل نداشتن پایگاه مردمی از یک‌سو و حمایت گسترده توده‌های مردم از رهبر کبیر انقلاب اسلامی از سوی دیگر، به مرور زمان منزوی و از صحنه خارج شدند. مواضع و عملکرد این جریان‌ها در قبال انقلاب اسلامی از مخالفت‌های سیاسی و کارشکنی‌ها آغاز گردید و برخی از آنها مانند چریک‌های فدایی خلق، دمکرات‌ها و منافقین وارد فاز نظامی و درگیری مسلحانه با نظام اسلامی نیز شدند.

برخی از اقدامات این جریانها عبارت است از:

- مخالفت با اسلام و جمهوری اسلامی
- مخالفت با تصویب قانون اساسی
- مخالفت با روحانیت و تبلیغات علیه آن
- مخالفت با احکام اسلامی از جمله لایحه قصاص
- توطئه و اغتشاش در محیط‌های فرهنگی و آموزشی
- اختلال در امنیت کشور و ایجاد آشوب
- جاسوسی برای قدرتهای خارجی شرقی و غربی
- اختلال در اقتصاد کشور (فعالیت‌های کشاورزی - کارگری)
- تلاش برای ایجاد یأس و ناامیدی در مردم و خارج کردن آنان از صحنه
- سوء استفاده از آزادی
- ترور شخصیتها و مسئولان نظام

-ایجاد آشوب و غائله‌های قومیتی در مناطقی مثل کردستان، گنبد، سیستان و بلوچستان، خوزستان و آمل
-تبلیغات علیه دفاع نظام در برابر تجاوز صدام به انقلاب و کشور
با توجه به عملکردهای یاد شده، روز به روز صف نیروهای انقلاب از صف نیروهای ضد انقلاب جدا و شفاف‌تر گردید.

ولایت فقیه و حضرت امام (ره) محور نیروهای انقلاب اسلامی

حضرت امام خمینی (ره) با تأکید بر اسلام و اینکه همه چیز باید بر محور اسلام باشد، صف مردم مسلمان و انقلابی را از جریان‌های غیراسلامی و دارای افکار و عقاید انحرافی جدا کردند. حرکت قاطع، شجاعانه و برخوردار از پشتوانه مردمی حضرت امام (ره) در حالی دنبال شد که غیر از جریان اسلامی و مذهبی، بقیه جریان‌های فکری-سیاسی، تمام تلاش خود را ب عمل آوردند تا مانع از استقرار جمهوری اسلامی و تصویب قانون اساسی براساس اصول اسلام شوند. حضرت امام (ره) با تأکید بر اسلام، مسیر نظام سیاسی کشور را اینگونه معرفی می‌کنند: «... مسیر ما اسلام است، ما اسلام می‌خواهیم. ما آزادی که اسلام توای [آن نباشد نمی‌خواهیم. ما استقلالی که اسلام توای] آن نباشد نمی‌خواهیم. ما اسلام می‌خواهیم آزادی که در پناه اسلام است می‌خواهیم. ما آزادی و استقلال بی اسلام به چه دردمان می‌خورد؟ وقتی اسلام نباشد، وقتی پیغمبر اسلام مطرح نباشد، وقتی قرآن اسلام مطرح نباشد، هزار تا آزادی باشد! ممالک دیگر هم آزادی دارند، ما آن آزادی را نمی‌خواهیم (۶)». جریان‌های فکری-سیاسی فعال در صحنه سیاسی کشور در مقطع پیروزی انقلاب اسلامی و پس از آن را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد.

الف. جریان‌هایی که از همان ابتداء حضرت اما در مقابل آنان موضع گرفت و آنان نیز مسیری کاملاً مخالف انقلاب داشتند. مانند جریان سلطنت و جریان چپ‌گرای مارکسیستی.
ب. جریان‌هایی که در ابتدا با انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی همراه شدند ولی به مرور زمان مسیر خود را به دلیل عدم تعهد و پایبندی به اسلام و نظام ولایت فقیه از انقلاب و مردم جدا کردند. مانند ملی‌گراها، لیبرالها و طیف‌هایی از جریان روشن‌فکری.

از گروه‌های شناسنامه در این طیف می‌توان به نهضت آزادی و جریان حامی بنی‌صدر اشاره کرد که نهضت آزادی از سوی حضرت امام (ره) با توجه به عمق انحرافات اعضای آن کنار گذاشته شد. جریان بنی‌صدر هم با توجه به طرز فکر و عملکرد انحرافی آن، با روشنگری‌های حضرت امام (ره) و تصویب عدم کفایت سیاسی بنی‌صدر در مجلس شورای اسلامی، از ریاست جمهوری برکنار شد و پس از مدتی به خارج از کشور فرار کرد. با کنار گذاشتن تمامی عناصر غیرمعتقد به نظام اسلامی و دینی، جریان اسلامی و مذهبی با عنوان پیروان خط امام و حزب الله، اداره تمامی قوای حکومتی، نهادها و سازمانها را به دست گرفت. دفاع مقدس و شرایط داخلی کشور به تثبیت نقش نیروهای اسلامی و پیرو ولایت و منزوی شدن نیروهای غیراسلامی و غیرمعتقد به جمهوری اسلامی کمک شایانی کرد. در مقطع سالهای ۱۳۶۱ تا ۳۶۸۱، حضرت امام (ره) شاخص اصلی برای تمایز

نیروهای انقلابی و ضدانقلابی بود و شعار «مرگ بر ضد ولایت فقیه» به عنوان یک شعار فراگیر مردمی و به صورت رایج و مستمر پس از تکبیر نمازهای جماعت، در سراسر کشور ناظر بر همین موضوع است .

احزاب و گروههای سیاسی ولایتمدار در زمان حضرت امام (ره)

از بدو پیروزی انقلاب اسلامی تا خرداد سال ۱۳۶۸، زمان رحلت حضرت امام خمینی (ره)، عمده‌ی نهادها، احزاب و گروههای سیاسی وابسته به جریان اسلامی از قبیل جامعه مدرسین، جامعه روحانیت مبارز، جمعیت مؤتلفه حزب جمهوری اسلامی، سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، انجمن‌های اسلامی، دفتر تحکیم وحدت و مجمع روحانیون مبارز از نظام اسلامی، ولایت فقیه و رهبری حضرت امام (ره) دفاع کرده و خود را متعهد به پیروی از دیدگاهها و مواضع ایشان می‌دانستند. البته از همان ابتدای پیروزی انقلاب، در میان نیروهای جریان اسلامی و معتقد به جمهوری اسلامی و ولایت فقیه و حضرت امام (ره)، اختلاف نظرهایی در مورد برخی از مسایل به ویژه در حوزه مسایل اقتصادی و مالکیت وجود داشت، اما با گذشت زمان و کاهش نسبی خطر منافقین و جریان‌های ملی‌گرا و لیبرال، این اختلاف‌نظرها تشدید شد. بعدها با شدت گرفتن این اختلاف نظرها و انشعاب مجمع روحانیون مبارز از جامعه روحانیت مبارز تهران، عملاً نیروهای پیرو خط امام، به دو جناح به اصطلاح چپ و راست تقسیم شدند. تقسیم نیروهای انقلاب به دو جناح، فرصت و شرایط لازم را برای عناصر فرصت‌طلب و جریان‌های سیاسی شکست خورده برای نفوذ در ارکان نظام و نیروهای انقلاب و به دست گرفتن قدرت فراهم ساخت. یکی از این جریان‌ها باند مهدی هاشمی بود که برای قبضه قدرت به تخریب نیروهای انقلاب و ترور شخصیت مسئولین از طریق پخش شایعه، شب‌نامه، نامه نگاری، جعل اسناد و... پرداخت. این جریان فاسد قدرت‌طلب که در پناه آقای منتظری به عنوان قائم مقام رهبری، از حاشیه‌ی امنیتی خوبی برخوردار بود، از یک طرف برای ایجاد شکاف بیشترین جناح چپ و جناح راست تلاش می‌کرد و از طرف دیگر بر روی افکار، اندیشه‌ها و تحلیل‌های آقای منتظری تأثیرگذار بود. به گونه‌ای که باعث قرار گرفتن وی در برابر حضرت امام (ره) و در نتیجه سقوط او گردید. در چنین دوره‌ای جناح چپ با محوریت مجمع روحانیون مبارز، خود را جریان اصیل خط امام و پیرو اسلام ناب محمدی (صلی الله علیه و آله و سلم) معرفی می‌کرد و جناح مقابل را به طرفداری از اسلام آمریکایی و تفکر سرمایه‌داری متهم می‌ساخت. این اتهام‌ها که پشت صحنه آن را باند منحرف مهدی هاشمی هدایت می‌کرد، در حالی صورت می‌گرفت که حضرت امام (ره) هر دو جناح را نیروهای انقلاب دانسته و مورد تأیید قرار می‌دادند .

نگرانی حضرت امام (ره) از خطر نفوذی‌ها، لیبرال‌ها و منحرفین

نگرانی عمده حضرت امام (ره)، تضعیف جبهه پیروان ولایت و بروز خطر تفرقه و تشتت میان آنان بود. آن حضرت به حد معتقد بودند که اگر مردم پشتیبان ولایت فقیه باشند، هیچ خطری به کشور آسیب نخواهد رساند. بر همین اساس ایشان بارها می‌فرمودند: «من از خارج خوفی ندارم. نگرانی من از داخل است». نگرانی اصلی ایشان به این موضوع بر می‌گشت که ممکن است جریان‌های منحرف، لیبرال‌ها و عناصر فرصت‌طلب، میان نیروهای اصیل انقلاب

اسلامی نفوذ کرده و با ایجاد اختلاف صفوف متحد آنها، بخشی از آنان را به انحراف بکشاند و در برابر انقلاب و ولایت قرار دهند. به همین دلیل به صورت جدی نیروهای انقلاب را نسبت به خطر لیبرالها که عناصر نهضت آزادی یکی از مصادیق برجسته آنها هستند، هشدار می‌دادند. از جمله می‌فرمایند: نهضت به اصلاح آزادی و افراد آن چون موجب گمراهی بسیاری از کسانی که بی‌اطلاع از مقاصد شوم آنان هستند می‌گردند، باید با آنها برخورد قاطعانه شود و نباید رسمیت داشته باشند (۷). در مورد واگذاری برخی مسئولیتها هم به لیبرالها در اوایل انقلاب می‌فرمایند: من امروز بعد از ۱۰ سال از پیروزی انقلاب اسلامی همچون گذشته اعتراف می‌کنم که بعضی تصمیمات اول انقلاب در سپردن پست‌ها و امور مهمی کشور به گروهی که به عقیده‌ی خالص و واقعی به اسلام ناب محمدی (صلی الله علیه و آله و سلم) نداشته‌اند، اشتباهی بوده است که تلخی آثار آن به راحتی از میان نمی‌رود، گرچه در واقع آن موقع هم شخصاً مایل به روی کار آمدن آنان نبودم، ولی با صلاحدید و تأیید دوستان قبول نمودم و الان هم سخت معتقدم که آنان به چیزی کمتر از انحراف انقلاب اسلامی از تمامی اصولش و حرکت به سوی آمریکای جهانخوار قناعت نمی‌کنند... ما هنوز هم چوب اعتمادهای فراوان خود را به گروهها و لیبرالها می‌خوریم... تا من هستم نخواهم گذاشت حکومت به دست لیبرالها بیفتد، تا من هستم نخواهم گذاشت منافقین، اسلام این مردم بی‌پناه را از بین ببرند، تا من هستم از اصول نه شرقی نه غربی عدول نخواهم کرد (۸). یکی بودن خط رهبری انقلاب اسلامی با خط امام (ره) از آن جهت است که اساساً رهبر معظم انقلاب اسلامی خود را شاگرد و تربیت شده‌ی مکتب حضرت امام (ره) دانسته و پیرو خط ایشان می‌دانند و بر این باور و اعتقاد هستند که تنها راه نجات و سعادت ملت ایران در پیروی از خط امام است. مواضع قاطع، صریح و هشدار دهنده حضرت امام (ره) در مورد نهضت آزادی و برخی دیگر از عناصر روشنفکر و غرب‌گرای همسو با این گروهک، به این نکته بر می‌گشت که ایشان اطمینان یافته بودند که اینها همان تفکر جبهه ملی و لیبرالها را داشته، اعتقاد آنان نسبت به دشمنی با رژیم سلطنت گذشته جدی نبوده و با نظام اسلامی و دینی مخالفت سرسخت دارند. از نظر حضرت امام (ره)، علاوه بر لیبرالهای متظاهر به اسلام، گروه دیگری که برای انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی و نیروهای انقلابی یک خطر جدی به حساب می‌آید، جریان منحرف و متحجر انجمن حجتیه است. خطر این جریان نیز به خاطر عدم اعتقاد به ولایت فقیه، عدم اعتقاد به مبارزه با طاغوت و تشکیل حکومت اسلامی است. این جریان شیوع فساد، فحشا و بی‌بند و باری را مقدمه‌ای برای ظهور امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) دانسته و بر همین مبنا هیچ تلاشی برای سرنگونی طاغوت و پیاده‌سازی حکومت اسلامی ندانسته است. این تفکر در میان برخی از شیعیان به تعبیر حضرت امام (ره) نتیجه نفوذ بیگانگان در فرهنگ حوزه‌هاست و در این خصوص می‌فرمایند:

...دیروز مقدس مآب‌های بی‌شعور می‌گفتند دین از سیاست جداست و مبارزه با شاه حرام است، امروز می‌گویند مسئولین نظام کمونیست شده‌اند! تا دیروز مشروب‌فروشی‌ها و فساد و فحشا و فسق و حکومت ظالمان برای ظهور امام زمان -ارواحنا فداه- را سفید و راهگشا می‌دانستند، امروزه از اینکه در گوشه‌ای خلاف شرعی که هرگز خواست مسئولین نیست رخ می‌دهد، فریاد و اسلاما سر می‌دهند! دیروز حجتیه‌ای‌ها مبارزه را حرام کرده بودند و ... امروز

انقلابی‌تر از انقلابی‌ها شده‌اند! ولایتی‌های دیروز که در سکوت و تحج خودآبروی اسلام و مسلمین را ریخته‌اند و در عمل پشت پیامبر و اهل بیت عصمت و طهارت را شکسته‌اند و عنوان ولایت برایشان جز تکسب و تعیش نبوده است، امروز خود را بانی و وارث ولایت نموده و حسرت ولایت دوران شاه را می‌خورند!... همه‌ی اینها نتیجه نفوذ بیگانگان در جایگاه و در فرهنگ حوزه‌هاست و برخورد واقعی هم با این خطرات بسیار مشکل و پیچیده است .

(۹)

ولایتمداری احزاب و گروه‌های سیاسی پس از رحلت حضرت امام (ره) :

همانگونه که اشاره شد خط امام (ره)، خط ولایت و خط رهبری همه یک خط و یک طرز تفکر است. یکی بودن خط رهبری انقلاب اسلامی با خط امام (ره) از آن جهت است که اساساً رهبر معظم انقلاب اسلامی خود را شاگرد و تربیت شده‌ی مکتب حضرت امام (ره) دانسته و پیرو خط ایشان می‌دانند و بر این باور و اعتقاد هستند که تنها راه نجات و سعادت ملت ایران در پیروی از خط امام است. (۱) بعد از رحلت حضرت امام (ره) و آغاز ولایت و رهبری حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای، برخی از گروه‌ها و افراد وابسته به جناح چپ که امام (ره) را شعار اصلی خود کرده بودند، به طرق مختلف نسبت به مواضع، سیاستها و تصمیمات ایشان موضع منفی گرفتند. قابل توجه است که این گروه‌ها و افراد، موضعگیری‌ها و مخالف‌خوانی‌های خود را تحت عنوان دفاع از خط امام (ره) مطرح کرده و اینگونه القاء می‌کردند که پس از رحلت حضرت امام (ره)، امام‌زایی در کشور حاکم شده و یاران امام یکی یکی از صحنه کنار گذاشته می‌شوند. گذر زمان نشان داد بعضی بعد از رحلت حضرت امام (ره)، مدعی پیروی از خط امام (ره) بودند، بیشترین انحرافات را از خط ولایت و خط امام (ره) داشته و برخی از آنها نه تنها از این خط فاصله گرفتند، بلکه در همان مسیری به حرکت در آمدند که نهضت آزادی و لیبرال‌ها و ملی‌گراها در آن قرار دارند. این رویداد اسفبار در تاریخ انقلاب اسلامی، نشان می‌دهد که دغدغه‌های حضرت امام (ره) در مورد خطر نفوذی‌ها و لیبرال‌ها جدی بوده و متأسفانه هشدارهای ایشان از سوی برخی از مدعیان طرفداری از ایشان جدی گرفته نشده است .

ولایتمداری نیروهای سیاسی کشور در مقطع کنونی

در مقطع کنونی، احزاب و گروه‌های سیاسی فعال کشور که همگی در جریان اسلامی و مذهبی قرار داشته و عضو خانواده نیروهای انقلاب به حساب می‌آیند به دو جریان سیاسی عمده تقسیم می‌شوند. ۱. جریان اصولگرا ۲. جریان دوم

خرداد

(اصلاح‌طلبان)

این دسته‌بندی و آرایش سیاسی نیروهای انقلاب، تحت تأثیر تحولات سیاسی - فرهنگی ناشی از انتخابات هفتمین دوره ریاست جمهوری شکل گرفته است. در دوم خرداد سال ۱۳۷۶، آقای سید محمد خاتمی به عنوان کاندیدای مورد حمایت جناح چپ با محوریت مجمع روحانیون مبارز، با رأی بالا به ریاست جمهوری رسید و آقای علی اکبر ناطق نوری به عنوان رقیب اصلی وی و کاندیدای مورد حمایت جناح راست، با محوریت جامعه روحانیت مبارز و

گروههای همسو، موفق به کسب اکثریت آراء نشد. با این پیروزی جناح چپ و آقای خاتمی، فضای سیاسی جدیدی بر جامعه حاکم گشت و تا به امروز تمامی مسایل کشور در ابعاد سیاست خارجی داخلی اعم از سیاسی، فرهنگی و اقتصادی، تحت تأثیر این رویداد تاریخی بوده است. با گذشت بیش از یک دهه از آن تاریخ و فراز و فرودهای فراوان در مسایل سیاسی کشور به ویژه در انتخابات متعدد (مجلس ششم، هفتم و هشتم، دو دوره شوراهای اسلامی، مجلس خبرگان و دوره نهم ریاست جمهوری)، برخی از دوم خردادی‌ها تلاش می‌کنند جناح خود و به عبارتی اصلاح‌طلبان را همان جناح چپ و خط امامی‌های دهه‌ی ۶۰ و اصولگرایان را همان جناح راست آن دوران معرفی کنند. این تحلیل و نگرش صحیح نیست. نه دوم خردادی‌های امروز ویژگی‌های جناح چپ زمان حضرت امام (ره) را دارند و نه اصولگرایان معادل جناح راست آن دوران به حساب می‌آیند. اختلاف نظر بین جناح چپ و جناح راست در زمان حضرت امام (ره)، عمدتاً حول محور مسایل اقتصادی بود. جناح چپ بیشتر بر نقش دولت در اقتصاد تأکید داشت و جناح راست بر اقتصاد بازار تأکید کرده و برای دولت بیشتر نقش نظارتی را قایل بود. تأکید برخی از چهره‌های دوم خردادی برای اینکه دوم خردادی‌ها و اصولگرایان دنباله جناح چپ و جناح راست سابق هستند، بیشتر به این دلیل است که از سابقه خط امامی بودن خود برای حفظ پایگاههای اجتماعی بین نیروهای انقلاب بهره ببرند. جدول زیر احزاب و گروههای عمده دو جریان را نشان می‌دهد.

احزاب و گروههای اصولگرا	احزاب و گروههای دوم خردادی (اصلاح‌طلب)
۱. جامعه مدرسین حوزه علمیه قم	۱. مجمع روحانیون مبارز
۲. جامعه روحانیت مبارز تهران	۲. حزب مشارکت ایران اسلامی
۳. حزب مؤتلفه اسلامی	۳. سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی
۴. جامعه اسلامی مهندسين	۴. حزب کارگزاران سازندگی
۵. جمعیت ایثارگران انقلاب اسلامی	۵. حزب همبستگی
۶. جامعه زینب	۶. حزب مردم سالاری
۷. انجمن اسلامی پزشکان	۷. مجمع محققین و مدرسین حوزه علمیه قم
۸. جامعه اسلامی اصناف و بازار	۸. ائتلاف خط امام (ره)
۹. جامعه اسلامی فرهنگیان	۹. مجمع نیروهای خط امام (ره)
۱۰. جامعه اسلامی	۱۰. انجمن اسلامی معلمان
۱۱. جامعه اسلامی کارمندان	۱۱. دفتر تحکیم وحدت
۱۲. انجمن اسلامی	۱۲. خانه کارگر
	۱۳. جمعیت زنان جمهوری اسلامی
	۱۴. مجمع اسلامی بانوان
	۱۵. مجمع ادوار مجلس شورای اسلامی
	۱۶. انجمن اسلامی مدرسین دانشگاهها
	۱۷. انجمن روزنامه‌نگاران زن

پزشکان	اسلامی	جامعه	۱۸.	فارغ التحصیلان شبه قاره هند
ملی	اعتماد	حزب	۱۹.	جامعه اسلامی ادوار
			۲۰. ...	نمایندگان مجلس
				۱۴. جامعه اسلامی ورزشکاران
				۱۵. جمعیت زنان انقلاب اسلامی
				۱۶. انجمن اسلامی روزنامه نگاران مسلمان
				۱۷. جمعیت فدائیان اسلام
				۱۸. چکاد آزاداندیشان
				۱۹. ...

با توجه به تعریف جریان فکری- سیاسی و قرار گرفتن احزاب، گروه‌ها و تشکل‌های سیاسی همفکر با اهداف مشترک در یک جریان فکری- سیاسی، می‌توان به جای بررسی ولایت‌مداری تک تک احزاب و گروه‌های سیاسی، ولایت‌مداری جریان‌های فکری- سیاسی را بررسی کرد. در این نوشتار از این شیوه استفاده شده است. برهمین اساس با توجه به ویژگی‌ها و شاخصه‌های ولایت‌مداری، می‌توان دو جریان عمده فکری- سیاسی معروف به اصولگرا و دوم خردادی (اصلاح‌طلب) را مورد سنجش قرار داد. البته در این بحث، باید به سه نکته توجه داشت. نکته اول اینکه در این سنجش، آخرین وضعیت این جریان‌ها ملاک و مورد نظر است. ممکن است حزبی یا گروهی در دوره‌ای با توجه به مواضع اعلامی و عملکردها، کاملاً همسو با ولایت ارزیابی شود و مواضع و عملکرد آن با خط ولایت، امام و رهبری کاملاً انطباق داشته باشد، اما امروزه دچار چرخش در مواضع شده و عملکرد دیگری داشته باشد.

-نکته دوم مربوط به میزان ارزش‌گذاری و سطح ولایت‌مداری احزاب و گروه‌های سیاسی است. بدیهی است که با توجه به مواضع و عملکرد یک حزب و یا گروه سیاسی نسبت به موضوعات مختلف، در برخی موضوعات، این مواضع و عملکردها، همسویی با مواضع ولایت دارد و در برخی دیگر از موضوعات همسویی ندارد. بنابراین آنچه در مورد ولایت‌مداری یک حزب یا گروه سیاسی گفته می‌شود، مطلق نبوده بلکه نسبی است. نکته سوم به وضعیت هر حزب و گروه سیاسی در درون یک جریان فکری- سیاسی بر می‌گردد. هر چند اصول، مبانی فکری و اهداف مشترک احزاب و گروه‌های سیاسی موجب می‌شود که آنان در جریان‌های فکری- سیاسی دسته‌بندی شده و در مسایل مختلف، به صورت جریانی در راستای منافع گروهی خود موضعگیری نمایند، اما در درون هر جریان فکری- سیاسی، ممکن است اختلاف نظرها و دیدگاه‌های وجود داشته باشد. با توجه به سه نکته یاد شده، ولایت‌مداری دو جریان عمده و فعال در درون جریان اسلامی را مورد بررسی و سنجش قرار می‌دهیم.

ولایت‌مداری جریان دوم خرداد یا اصلاح‌طلبان

جریان دوم خرداد که پس از انتخابات هفتمین دوره ریاست جمهوری شکل گرفت و اکنون تحت عنوان جریان اصلاحات و اصلاح‌طلبان در صحنه سیاسی کشور فعال می‌باشند. در دوره‌ای که دوم خردادی‌ها قوه مجریه، قوه مقننه (مجلس ششم) و شورای اسلامی دوره اول را تحت کنترل خود داشتند، نظام اسلامی از درون با چالش‌های جدی و اساسی مواجه گشت. چالش‌های اساسی و درونی نظام در این دوره، اساساً به خاطر مواضع طیف‌ها و بخش‌های اصلی و اداره‌کننده جریان دوم خرداد نسبت به مسایل مهم نظام اسلامی و کشور بود. هرچند جبهه دوم خرداد را احزاب و گروه‌های ۱۸ گانه تشکیل داده و اکنون عدد احزاب و گروه‌های مهم دوم خردادی و اصلاح‌طلب از این رقم بالاتر رفته است، اما بیشتر دوم خردادی‌ها بر این نکته تأکید دارند که مدیریت اصلی جریان اصلاحات طی سال‌های گذشته در اختیار سه گروه بوده است. این سه گروه حزب مشارکت، حزب کارگزاران سازندگی و سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی می‌باشد. در دوره اصلاحات با مدیریت پدرسالارانه این سه گروه بر جریان دوم خرداد، مسائلی برخلاف نقطه نظرات حضرت امام (ره)، ولایت و رهبری، مطرح گردید و اتفاقاتی رخ داد که نه تنها ولایت‌مداری جریان دوم خرداد را با تردید جدی مواجه می‌سازد، بلکه در مقاطعی این جریان و یا حداقل گردانندگان اصلی آن در برابر رهبری، ولایت و خط امام (ره) ایستادگی کرده و به مقابله پرداخته‌اند. به مواردی از این دست بطور خلاصه اشاره می‌شود.

۱. اشعار پایان انقلاب و آغاز دوره جدید

پس از دوم خرداد، اصطلاحی تحت عنوان «پیام دوم خرداد» مطرح گردید. روزنامه‌های دوم خردادی که بعداً به روزنامه‌های زنجیره‌ای معروف شدند، پیام دوم خرداد را یک «نه بزرگ» به گذشته دانسته و بر این اساس بسیاری از سیاست‌ها، عملکردها و مواضع گذشته نظام پیرامون مسایل داخلی و سیاست خارجی را به چالش کشیدند. این نگاه افراطی تا به آنجا پیش رفت که در حاشیه نشست مشترک برخی از اصلاح‌طلبان ایرانی با جریان ضدانقلاب خارج نشین در اجلاس برلین در سال ۱۳۷۹، اکبر گنجی به عنوان یکی از عناصر جبهه مشارکت، از پایان خط امام (ره) در ایران نام برد و نتیجه اصلاحات در ایران را به تاریخ سپردن نام ایشان دانست.

۲. اشعار جامعه مدنی به جای جامعه اسلامی

در اولین سال شکل‌گیری جریان دوم خرداد، این جریان شعار تحقق جامعه مدنی را دنبال کرد و در بسیاری از مطبوعات دوم خردادی این شعار به یکی از بحث‌های رایج تبدیل شد. روزنامه جامعه، از اولین روزنامه‌های زنجیره‌ای دوران اصلاحات، جامعه‌ی مدنی را یک جامعه پیشرفته مانند جوامع صنعتی غرب دانست که در آن دین یک امر شخصی بوده و در سیاست دخالت نمی‌کند. (۱۱) در این دوره و به بهانه تبیین جامعه مدنی، افرادی چون بشیریه،

سروش و کدیور به نقد نظریه ولایت فقیه پرداخت و تحت عنوان «ضرورت مقابله با تمرکز قدرت» به مقابله با نظریه ولایت فقیه پرداختند.

۳. شعار توسعه سیاسی

جریان دوم خرداد، با شعار توسعه سیاسی، از طریق مطبوعات وابسته، به ترویج سکولاریسم و ارزش‌های لیبرالی پرداخت. در این دوره آزادی و آزادی بیان از سوی عناصر ایران جریان، اصالت پیدا کرد و بر این اساس مطبوعات مورد حمایت آنها، تمامی ارزشهای اسلامی و انقلابی را مورد هجوم و تخریب قرار دادند. دفاع مقدس، فرهنگ شهادت، روحیه و تفکر بسیجی، روحیه استکبارستیزی و حمایت از محرومان و مستضعفان عالم، از جمله مواردی بود که به شدت مورد هجوم واقع شد. همچنین جریان دوم خرداد برای اینکه بتواند از طریق مطبوعات (که آن را یکی از دو بال جنبش اصلاحات می‌دانست) مقاصد خود را پیش ببرد، به دنبال اصلاح قانون مطبوعات در ابتدای کار مجلس ششم برآمد. آنها از این طریق می‌خواستند دست مطبوعات را برای ساختارشکنی و ایجاد زمینه‌ها و شرایط یک تغییرات اساسی و بنیادین در ارکان نظام به صورت قانونی باز کنند. طرح اصلاح قانون مطبوعات با نامه رهبر معظم انقلاب به رئیس مجلس ششم متوقف گردید.

۴. متهم ساختن نظام و مسئولان عالی‌رتبه به خشونت‌گرایی در جریان قتل‌های مشکوک زنجیره‌ای.

۵. تلاش برای راه‌اندازی انقلاب مخملین در حادثه کوی دانشگاه در تیرماه ۱۳۷۸.

۶. طرح برگزاری رفراندوم در سه مقطع زمانی:

الف. برگزاری انتخابات هشتمین دوره ریاست جمهوری

ب. برگزاری انتخابات میاندوره‌ای مجلس شورای اسلامی استان گلستان

ج. هم‌زمان با طرح لوایح به دوقلو در مجلس ششم

۷. طرح وجود حاکمیت دوگانه در کشور و ضرورت بازنگری در قانون اساسی

۸. طرح انسداد سیاسی در کشور و ضرورت خروج از حاکمیت

۹. طرح نافرمانی مدنی

۱۰. طرح ضرورت تجدید نظر در سیاست خارجی، کوتاه آمدن و مذاکره با آمریکا و دست برداشتن از مقابله با

رژیم صهیونیستی برای تأمین منافع ملی

۱۱. حمله به نهادهای انقلاب و مجموعه‌های تحت نظر رهبری مانند سپاه، بسیج، قوه قضائیه، صدا و سیما و

شورای نگهبان

۱۲. اتخاذ سیاست سازش و کوتاه آمده در موضوع هسته‌ای

۱۳. تحصن تعدادی از نمایندگان در مجلس ششم با هدف متوقف ساختن انتخابات و راه‌اندازی انقلاب مخملین

۱۴. سیاه‌نمایی و برجسته‌سازی تهدیدات آمریکا در چارچوب عملیات روانی غرب علیه جمهوری اسلامی ایران

۱۵. به چالش کشاندن سیاست‌های هسته‌ای نظام در دولت نهم و تهدیدزا و خسارت‌بار معرفی کردن این سیاست‌ها

در مسایل پانزده گانه که فقط محور مهمترین مسائل مطرح شده از سوی جریان دوم خرداد دهه اخیر است، یک نکته آشکار و برجسته وجود دارد و آن مغایرت این مسایل با دیدگاهها و مواضع ولایت و رهبری است. سیاستها، تدابیر، مواضع و اقدامات رهبر معظم انقلاب اسلامی در تمامی موارد یاد شده، انطباق کامل با خط امام (ره) دارد، لکن دوم خردادیها برخلاف آن موضع گیری و اقدام کردند. هر چند صحنه گردان اصلی در دوران اصلاحات حزب مشارکت، سازمان مجاهدین انقلاب و حزب کارگزاران بودند، اما بقیه گروههای دوم خردادی مواضع صریح، شفاف و مخالفت گونه ای در قبال این اقدامات نگرفته و بعضاً به دلیل منافع جریانی و گروهی همراهی کرده اند .

نمونه هایی از مواضع مغایر با مواضع ولایت

اگر شاخصه های ولایتمداری را به دو بخش نظری و عملی تقسیم نمائیم، می توان شاخص های ده گانه مبین خط امام (ره) و رهبری (خط ولایت) را به صورت زیر تقسیم بندی نمود.

الف. شاخص های نظری شامل: اسلام و جامعیت آن، پیوند دین و سیاست، اعتقاد به ولایت مطلقه فقیه و فقه جواهری.

ب. شاخص های عملی شامل: استکبارستیزی، ضدیت با صهیونیسم، دفاع از نظام جمهوری اسلامی، مردمی بودن، دفاع از حقوق محرومین و طبقات مستضعف و تلاش برای وحدت امت اسلامی.

جدول زیر نمونه هایی از مواضع برخی از دوم خردادیها و نشریات وابسته و افراد همسو یا مورد حمایت آنان را در تقابل با شاخص های نظری نشان می دهد .

ردیف	مواضع و دیدگاهها	گوینده/نویسنده/منبع
۱	حکومت از مقوله دین نیست و نمی توان در امور آن از دین بهره جست.	یوسفی اشکوری - کیهان ۷۹/۴/۲۲
۲	نظریه ی عینیت سیاست و دیانت، زائیده افکار عامیانه و قدیمی است.	هفته نامه آبان ۷۶/۶/۲۱
۳	نظریه ی غیرت دینی، ویران کننده ی اندیشه و عطاء الله مهاجرانی، هفت نامه ی فرهنگ و تمدن است.	آریا ۷۹/۱/۱۶
۴	در اسلام هیچ مسئله قطعی نداریم، چون منابع احکام هیچکدام قطعی نیستند.	روزنامه خرداد، ۷۷/۷/۱۰
۵	دین خط و مرز قرمز و منطقه حفاظت شده ی ممنوعه ندارد.	روزنامه ایران، ۷۹/۴/۲۴
۶	مظاهر دینی، نماد عقب ماندگی است.	جامعه ی سالم، تیر ۷۸
۷	تفکر شیعی گری موجب انحطاط مملکت ما و مانعی برای دموکراسی است.	صبح امروز، ۷۸/۸/۲۲

۸	وظیفه دین القای حیرانی است و بس. اگر کسی را ه بیفتد و بگوید این دنیا باید جهت آباد کردن دنیایان از دین استفاده کنید، این حرف اشتباه محض است.	روزنامه جهان اسلام، ۷۳/۱۰/۱۷
۹	اراده مردم، همان اراده خداست و انتخاب مردم همان انتخاب خداست، لذا دموکراسی غربی با دین سازگار است.	هفته نامه آبان، شهریور ۷۷
۱۰	قرآن قابل نقد عقلی و نقلی است.	پیام هاجر، شماره ۲۹۶، ۷۸/۹/۳
۱۱	در تعارض تکالیف دینی و حقوق بشر، حقوق بشر مقدم است.	سروش، صبح امروز، شهریور ۷۸
۱۲	در حیطه ولایت سیاسی، حتی ائمه هم وجوب اطاعت ندارند چه برسد به فقیه. مردم می توانند بر امام معصوم خرده بگیرند، استفاده کنند و در جایی فرمانش را اطاعت نکنند.	سروش، کیان، آبان ۱۳۷۷
۱۳	در مسایل حکومت و سیاست، فعل و قول معصوم حجت نیست.	محمد مجتهد شبستری، کیان، آبان ۷۷
۱۴	جامعه‌ی ولایی انحصارگر و مستبد است.	پیام هاجر، فروردین ۷۷
۱۵	پیامبر و ائمه فقط در برهه‌ای از زمان صلاحیت مرجعیت را داشته‌اند.	راه‌نو، ۸۷/۵/۳
۱۶	جامعه مدنی ولایت مطلقه را نمی‌خواهد. حتی ولایت را نمی‌خواهد چه رسد به مطلقه. ما احتیاج به رهبر نداریم، مگر مردم یتیمند که پدر بخواهند؟ فاشیست‌ها به دنبال پدر می‌گردند.	اکبر گنجی به نقل از شما، ۷۶/۶/۲۷
۱۷	ولایت فقیه نه از اصول دین است نه از فروع دین و هیچ دلیلی بر آن اقامه نشده است.	اکبر گنجی، کیان، فروردین ۷۷
۱۸	ولایت فقیه یعنی حکومت توتالیتار و ضد مردمی	امیر خرم، همشهری، ۷۷/۶/۱۹
۱۹	جریان کسروی و حکمی‌زاده، اصلاح طلب بودند و امام و نواب صفوی، خشونت‌گرا و در مقابل جریان اصلاح طلب قرار می‌گیرند.	سهراب بهداد، روزنامه نشاط، اسفند ۷۷

۲۰	فقیه به انتخاب مردم، مشروعیت حکومت پیدا می‌کند و پس از انتخاب هم، وکیل مردم است نه ولی مردم.	محسن کدیور، راه‌نو، ش ۲.
۲۱	نه اصل مشروعیت رهبری، و نه تعیین صفات او، هیچکدام به دست شارع نیست و اگر روایاتی هم در این زمینه هست ارشاد به حکم عقل است. حتی امیرالمؤمنین هم مشروعیت حکومت خود را به بیعت مردم می‌دانست.	محسن کدیور، روزنامه صبح امروز، دی ۷۷
۲۲	فقیه چون معصوم نیست، هرگز وجود تبعیت ندارد.	یوسفی اشکوری، هفته‌نامه، آبان، آذر ۷۷
۲۳	تاریخ مصرف نظریات سیاسی امام خمینی (ره) گذشته و مربوط به دوران ماقبل مدرن و زائیده افکار عامیانه و قدیمی است.	هفته‌نامه آبان، ۷۸/۶/۲۱
۲۴	حکومت ولایتی با حکومت جمهوری در تعارض است.	راه‌نو، ۷۷/۵/۳
۲۵	ولی فقیه، وکیل مردم است.	هفته‌نامه آبان، ۷۷/۸/۲
۲۶	ولایت فقیه یعنی خودکامگی و توسعه سیاسی نفی خودکامگی است.	هفته نامه آبان، ۷۷/۵/۱۰

چهره‌هایی چون سروش، کدیور، گنجی و نشریاتی که بعضی مطالب در جدول از آنها نقل گردید، مورد حمایت دوم خردادی‌ها در آن دوران بودند. احزاب و گروه‌های دوم خردادی، نه تنها در مقابل طرح این قبیل مسائل در جامعه و در نشریات موضعگیری نکرده، بلکه از این روند پشتیبانی می‌کردند. در مورد شاخص‌های عملی، بدیهی است هنگامیکه جریان دوم خرداد در شاخص‌های نظری ولایت و ولایتمداری، دارای دیدگاه و مواضع مغایر با مواضع حضرت امام (ره) و رهبری باشد، کارکردهای ولایت را نیز بر نمی‌تابد. اساساً انجام اصلاحات مورد نظر آنان در داخل کشور و پیگیری سیاست تنش‌زدایی در سیاست خارجی دولت اصلاحات بر همین مبنا بود.

ولایتمداری جریان اصولگرا

در واقع می‌توان گفت جریان اصولگرایی در درون جریان اسلامی که تا پیش از دوم خرداد به عنوان جریان پیرو خط امام و تابع ولایت در سطح کلان شناخته می‌شد، واکنشی بود در برابر جبهه و جریان دوم خرداد که از خرداد سال ۱۳۷۶ در درون جریان اسلامی شکل گرفته بود. اصولگرا یعنی کسی که به یکسری اصول پایبند باشد، مقام معظم رهبری در یکی از سخنرانی‌های خود، اصولگرایی

را اینگونه تعریف می‌کنند:

اصولگرایی یعنی اصول مستدل و منطقی را قبول داشتن و به آنها پای‌بند ماندن و رفتارهای خود را با آن اصول تطبیق کردن. مثل شاخص‌هایی که انسان را در یک جاده هدایت می‌کند (۱۲).

از اواسط سال ۷۶، ابتداء جبهه منتقدین دوم خرداد در برابر آنها شکل گرفت و پس از هجمه‌های گسترده دوم خردادی‌ها به اصول، مبانی و ارزشهای انقلاب اسلامی، جبهه منتقدین دوم خرداد، با عنوان اصولگرایی یعنی همان اصولی که در واقع شاخص‌های ولایتمداری به حساب می‌آید در صحنه حاضر شدند. احزاب و گروه‌های اصول‌گرا بارها در بیانیه‌ها و نشریات خود از اسلام، قانون اساسی، ولایت فقیه، امام و رهبری به عنوان اصول مورد نظر خود یاد کرده و در منشوری که در آستانه انتخابات هشتمین دوره مجلس شورای اسلامی منتشر کردند، اصول و مبانی فکری این جریان به شکل دقیق مشخص شده است. برخی از بندهای منشور اصولگرایی عبارت است از:

۱. توسعه و عمق‌بخشی به اسلام فقه‌آلود بر پایه فقه جعفری و کارآمدی دین در عرصه حکومت و هویت اسلامی
۲. اعتقاد به حاکمیت ولایت مطلقه فقیه به عنوان مبنای مشروعیت اداره جامعه و قانونگذاری
۳. تلاش در جهت تحقق ولت نمونه اسلامی و باشکوه اقتصادی و تطبیق مقررات با شرع مقدس اسلام (۱۳)

اصول‌گرایان، پس از پیروزی در انتخابات دومین دوره شوراهای اسلامی، مجلس هفتم و دوره نهم ریاست جمهوری، بارها مورد حمایت رهبر معظم انقلاب اسلامی قرار گرفته‌اند. حمایت‌های ایشان از دولت نهم و شخص دکتر احمدی نژاد، عمدتاً به خاطر حرکت دولت در مسیر اصلی انقلاب، و ولایتمداری آنان است. معظم له حتی در یکی از سخنرانی‌های عمومی، با صراحت فرمودند:

من از این دولت (دولت نهم) حمایت خاص می‌کنم (۱۴).

و دلایل این حمایت را، حرکت دولت بر مدار ارزش‌های انقلاب و شعارهای انقلاب برشمردند.

نتیجه‌گیری

از میان جریان‌های فکری-سیاسی ایران، تنها جریان اسلامی با توجه به شاخص‌های ولایتمداری یک جریان ولایتمدار به حساب می‌آید. و دیگر جریان‌ها با توجه به مبانی فکری خود هرگز نمی‌توانند در مسیر ولایت حرکت کنند. در تاریخ معاصر ایران، برخی از احزاب و گروه‌های سیاسی با تفکرات التقاطی شکل گرفتند. احزابی که یا اسلام را با سوسیالیسم و یا با لیبرالیسم و ملی‌گرایی ترکیب کرده بودند. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، بیشترین ضربه‌ها به انقلاب و نظام اسلامی از ناحیه جریان‌های التقاطی وارد گردید. این روزها شاهد یک همگرایی بین تفکرات و اندیشه‌های بعضی از افراد جریان دوم خرداد با تفکرات و اندیشه‌های ملی‌گرایانه و لیبرالیسم هستیم. این همگرایی ابتدا در آستانه انتخابات مجلس پنجم خود را نشان داد و در دوره بعد از دوم خرداد کاملاً آشکار گردید. در حالی که حضرت امام (ره) در مورد نفوذ لیبرال‌ها به قدرت هشدار داده بودند. برخی از چهره‌های برجسته جریان دوم خرداد، با اشاره به نقش پدرسالارانه احزاب و سازمانهایی چون مشارکت، کارگزاران و سازمان‌های مجاهدین بر جریان اصلاحات طی سالهای گذشته، از نفوذ عناصر نهضت آزادی

در این احزاب به ویژه حزب مشارکت یاد می‌کنند. راه چمنی و محمد زارع فومنی از چهره‌های دوم خردادی با صراحت این دیدگاهها را بیان می‌دارند. (۱۵) آقای فومنی طی گفتگویی اعلام کرد به دلیل افشاگری علیه اصلاح‌طلبان، تهدید به قتل شده است. (۱۶) برخی از چهره‌های دوم خردادی و افراطی اصلاح‌طلب به غرب و آمریکا رفته و تحت عنوان گرفتن بورسیه تحصیلی در آنجا اقامت گزیده‌اند. جورج بوش رئیس‌جمهور آمریکا در سال گذشته با صراحت اعلام کرد از اصلاح‌طلبان ایرانی حمایت می‌کند و در پیام نوروزی خود برای اصلاح‌طلبان ایرانی آرزوی موفقیت نمود و اعلام کرد، اصلاح‌طلبان ایرانی، دوستی بهتر از جورج بوش ندارند. آقای پیر مؤذن نماینده اردبیل در مجلس هفتم اواخر سال گذشته در سفر به آمریکا، طی گفتگویی با یک شبکه تلویزیونی این کشور، علیه نظام اسلامی و منافع ملی موضع‌گیری کرد. وی به عنوان سخنگوی فراکسیون اقلیت وابسته به اصلاح‌طلبان در مجلس هفتم، اکنون مجوز اقامت در آمریکا گرفته و اخیراً طی گفتگویی اعلام داشته: «آنچه من در مصاحبه با یک شبکه آمریکایی گفته‌ام، حرف‌های درونی جبهه اصلاحات است، که آنها جرأت گفتنش را ندارند ولی من جرأت کردم و این حرف‌ها را زدم» (۱۷).

شواهد و قرائن فراوانی وجود دارد که احزاب و گروه‌های وابسته به جریان دوم خرداد از مسیر ولایت، امام (ره) و رهبری فاصله گرفته و امروز می‌توان از این جریان، به عنوان یک جریان التقاطی مانند لیبرالها و نهضت آزادی یاد کرد. البته در جریان دوم خرداد طیف‌هایی وجود دارد که خود را معتدل و پیرو خط امام (ره) و وفادار به قانون اساسی معرفی کرده و این روزها علیه جریان افراطی یا همان مدیریت اصلی جریان دوم خرداد موضع‌گیری می‌کنند. این احزاب و افراد چنانچه در گفتار خود صادق باشند باید به طور کامل صف خود را از صف ولایت گریزان جدا کرده و در کنار نیروهای اصیل انقلاب قرار گیرند. جریان اصولگرایی همانطور که گفته شد با این عنوان در برابر انحرافات جریان دوم خرداد شکل گرفت و احزاب و گروه‌های این جریان با شدت و ضعف، از احزاب و گروه‌های سیاسی ولایت‌مدار به شمار می‌آیند.

نمایش	پی	نوشت	ها:
۱. دکترای	علوم	راهبردی	
۲. قانون	اساسی،	اصل	ششم.
۴. قانون	اساسی،	اصل	چهارم.
۵. قانون	اساسی،	اصل	۶.
۶. قانون	اساسی،	اصل	۶.
۷. نک: آیت مظفری، جریان شناسی سیاسی ایران معاصر، قم، زمزم هدایت، ۱۳۸۵.	امام،	جلد ۷،	ص ۴۵۹.
۹. همان،	جلد ۲۰،	ص ۴۸۲.	
۱۰. همان،	جلد ۲۱،	ص ۲۸۶.	
۱۱. همان،	جلد ۲۱،	ص ۲۸۱.	

۱۲. بیانات در جمع اعضای ستاد سالگرد امام (ره)، ۱۳۸۴/۳/۱۰.

۱۳. سرمقاله اولین شماره روزنامه جامعه، سال ۱۳۷۶.

۱۴. پرتو ولایت، اصولگرایی اسلامی و شاخص‌های آن، (تهران، بلاغ، ۱۳۸۵)، ص ۱۴.

۱۵. امهدی نظریور، جریان شناسی، ص ۱۲۰.

۱۶. سخنرانی در صحن رضوی، ۱۳۸۵/۱/۱.

۱۷. روزنامه رسالت، ۸۷/۱/۱۹.

۱۸. روزنامه رسالت، ۸۷/۱/۳۱، ص ۱.

۱۹. همان.